



جایگاه روش قصه گویی در روش تدریس فعال

زهرا محمودزاده شوطی

دانشجوی دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری خوی

mahmodzadehzahra@yahoo.com

یوسف علیزاده

استاد راهنما دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری خوی

Alizade_yousef@yahoo.com

چکیده

انسان موجودی است که با توجه به نیاز روحی که دارد قصه بهترین وسیله برای یادگیری او می باشد در مکتب خانه های قدیم بسیاری از مطالب به همین شیوه ی قصه گویی آموزش داده می شد. قرآن کریم کامل ترین کتاب آسمانی نیز از این شیوه قصه گویی استفاده کرده است تا با خواندن این آیات هم از سرگذشت دیرینیان آگاه شود و هم عبرتی باشد برای ما. این شیوه بهترین ابزار تربیتی برای تربیت اخلاقی دانش آموزان است. چرا که بسیاری از قصه های قرآن بر تربیت اخلاقی تاکید دارد و به صورت غیر مستقیم به هدف خود که تربیت اخلاقی است می رسد. آن چه به روش غیر مستقیم گفته شود تاثیرش را زیاد می کند حتی در ادبیات هم از کنایه و تمثیل و ... استفاده می شود. آن چه را که نمی توانیم به روش مستقیم بیان کنیم باید به روش غیر مستقیم بیان کنیم. روش هی مستقیم در جامعه ما نیز نباید زیاد بکار رود چون نسل جوان مقابله می کند. چون احساس می کند غرورش لطمه خورده است پس لجبازی می کند. بهتر است در کلاس درس نیز دانش آموزان را به روش غیر مستقیم پند و نصیحت کنیم. این مقاله به روش کتابخانه ای با هدف شناخت و تبیین ویژگی های قصه های قرآن پرداخته است .

واژگان کلیدی: قصه، قصه گویی، تربیت اخلاقی

یکی از مسائل مهمی که دغدغه ی اصلی جامعه و بلاخص خانواده ها می باشد تربیت اخلاقی فرزندان این جامعه می باشد. به طوری که امروزه خانواده ها به این مساله تاکید می کنند و ابراز نگرانی دارند که باید فرزندان صالح داشته باشند تا برای جامعه مفید باشند .

یکی از نهاد های موثر برای تربیت اخلاقی آموزش و پرورش می باشد. با استفاده از این آموزش است که از اندیشه های گذشته باخبر می شویم و اندیشه های درست را از نادرست تشخیص می دهیم و متوجه می شویم که اگر در زمینه ای از آموزش کم کاری شده باشد اثر خود را نشان خواهد داد. با توجه به این که دنیای کنونی ما افراد را غرق در جنگ و کشتار بی رحمانه می کند در این جاست که باید به فکر شهروندان مسئولیت پذیر و با اخلاق باشیم و این نیازمند تربیت اخلاقی است. کسی که دارای تربیت اخلاقی است سعادتمند می شود، انسان را در گرفتاری ها یاری می کند و هر چقدر هم که به این مساله توجه شود سلامت عاطفی و روانی جامعه تامین خواهد شد و باعث پرورش شهروندان سالم در جامعه خواهد شد .

بررسی اندیشه های تربیتی نشان می دهد که سعادتمندی انسان در گرو اخلاقی بودن و تربیت اخلاقی اوست . تربیت اخلاقی در اندیشه های دینی بخشی از علم اخلاق بوده و در ضمن آن مطرح شده است . و واژه هایی مثل تهذیب اخلاقی ، تهذیب نفس ، و ترکیه و حتی تربیت، به معنی آن به کار رفته است . علی رغم وجود تعاریف مختلف از آن می توان تربیت اخلاقی را آموزش اصول و ارزش ها اخلاقی و پرورش گرایش ها و فضیلت های اخلاقی دانست. (تقی شقاقی، ص ۱۷)

با توجه دقیق به کارکرد های آموزش و پرورش این به دست می آید که نظام آموزشی ما به آموزش علمی بیشتر اهمیت می دهد و متاسفانه این آموزش ما بیشتر آموزش با تاکید بر محفوظات است. آموزشی معلم محور که بیشتر از روش سخنرانی استفاده می کنند. یعنی معلم مخزنی از اطلاعات را به صورت پراکنده در اختیار دانش آموزان قرار می دهد که در زندگی روزمره نیز به درد دانش آموزان نمی خورد. با توجه دقیق بر ریشه ی کلمه ی تربیت متوجه می شویم که تربیت و آموزش ما باید آموزش فعال باشد. تربیت از ماده "ربو" گرفته شده و به معنای رشد دادن، پروراندن و شکل دادن است. در انسان براساس فطرت الهی استعداد های فراوانی نهفته است که با تربیت قرار است به شکل هماهنگ و هم سو پرورش یابند. تا انسان کامل و متعادل را نتیجه دهد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴). پس آموزش ما باید قدرت خلاقیت، استدلال، مقایسه و تجزیه و تحلیل داشته باشد. آموزش برخلاف گذشته که فقط انتقال دانستنی ها بود باید دانش آموزان را با مطالب یادگرفتنی درگیر کند. راه روش یادگرفتن را به آن ها آموزش داد یادگیری در صورتی اتفاق می افتد که دانش آموز خود به دنبال دانش بروند، اگر ما اطلاعات را آماده در اختیار دانش آموزمان قرار دهیم به گفته ی پیازه مانع شده ایم تا او آن را خودش کشف کند. (کریمی، ۱۳۸۲). طبق بیانات مقام معظم رهبری نیز کار آموزش و پرورش در عرصه ی تعلیم و تربیت یاد دادن دانش، یاد دادن تفکر و یاد دادن اخلاق است. (منشور معلمی در کلام مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵) گاهی اگر کودک درست تربیت نشد ممکن است یک هیتلر از آب در بیاد، یک چنگیز از آب در بیاد. (همان، ۱۴۰۰)

یکی از شیوه‌های آموزش، آموزش بصورت تفکر انتقادی و خلاق است و معلم دانش آموز را به تکاپو بکشد و مطالب را از دانش آموز بیرون می‌کشد و با این روش به تقویت مهارت‌های عقلانی دانش آموزان کمک می‌کند. فرد نه تنها امر مورد یادگیری را درک می‌کند، بلکه خود شخصا به بررسی و انتقاد می‌پردازد و آن چه را منطقی و مستدل تشخیص داد می‌پذیرد و در یادگیری یک شعر یا حل یک مساله ریاضی چنین در فراگرفتن قضایای علمی یا کسب مهارت‌ها، فرد در جست و جوی دلیل بر می‌آید و به جای این که گفته یا نوشته‌ی دیگران را بدون چون و چرا بپذیرد خود به تعقل و بررسی می‌پردازد. (شریعتمداری، ۱۳۶۴) و هم قرآن کریم بر تفکر تاکید زیادی می‌کند بطوری که در آیات فراوانی می‌فرماید ((افلا تعقلون؛ افلا تتفکرون و...))، ((الم یتفکروا فی انفسهم)) سوره ی روم ایه ۸. یکی از شیوه‌هایی که بتوان قدرت تفکر دانش آموزان را افزایش داد و قرآن نیز از این شیوه استفاده کرده است روش قصه گوئی است.

داستان و قصه نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت کودک دارد. و از طریق قصه‌ها و داستان‌های خوب کودک به بسیاری از ارزش‌های اخلاقی پی می‌برد پایداری، شجاعت نوع دوستی، امیدواری و... میل و سرشت انسان به خواندن و شنیدن سرگذشت‌ها و قصه‌ها میل و رغبت فراوانی دارد و قرآن کریم اولین کتابی است که به بیان سرگذشت‌ها پرداخته و آن را در راه تربیت مردم به کار گرفته و از این میل و رغبت طبیعی در راه هدایت آن‌ها بهره‌برداری کرده است. (شهر مجازی قرآن، ۱۳۸۹). بخش‌های قابل توجهی از قرآن کریم به بیان داستان‌های لطیف و آموزنده‌ای که ریشه در فطرت انسان دارند، اختصاص یافته و مفاهیم عقلی و مهمی از قبیل اثبات خدا، رسالت انبیا و معاد و بازگشت مردم در عرصه قیامت در قالب الفاظ شیرین و شیوای داستان بیان گردیده است و هیچ‌گاه خداوند این مفاهیم را تنها در لوای استدلال‌های منطقی محض به کار نبرده است. (کاظمی ۱۳۷۹)

در این مقاله ابتدا به مفهوم قصه و اهمیت قصه و سپس به کاربرد‌های اخلاقی قصه‌های قرآنی بپردازیم.

قصه

واژه‌ی قصه مصدر عربی از ماده ی قَصَصَ و یَقْصُصُ و به معنی دنبال کردن اثر ردپای کسی یا حیوانی و سرگذشت است اما آن چه بیشتر با معنی قصه مطابقت دارد همان معنی دنبال کردن است خواننده همواره دنبال آن است که بداند آخر قصه چه می‌شود و حس کنجکاوی اش برانگیخته می‌شود.

«قَصَّهَ بر وزن «فِعْلَةٌ» مصدر نوعی از فعل «قَصَّ» به معنای خبر، حدیث، بخشی از سخن، امر، آنچه نوشته‌شده، شأن، داستان، حال، کار، سخن، رمان و قصه‌ای که نوشته‌شده، آمده است» (ملبولی، ۱۳۷۶)

ناگفته نماند که در کتاب‌های لغت، درباره‌ی مصدر یا اسم بودن این واژه، اختلاف نظرهایی وجود دارد. غالب لغت نویسان بزرگ از جمله مؤلفان کتاب‌های لسان العرب، اقرب الموارد، منتهی الأرب و تاج العروس و... آن را اسم دانسته‌اند که در معنای مصدری به کار رفته است. (عبد ربه، ۱۹۷۲م)

قصه ی قرآنی عبارت است از روایت و نقل وقایع حوادث که از روی علم با هدف و پیامی مشخص پیگیری می شوند. (راضیه برزگر، ۱۳۹۴) قرآن کریم نیز از واژه ی قصه خود نیز استفاده کرده است. (إنّ هذا لهو القصص الحقّ) آل عمران ۶۲/ قرآن کریم به زبان قصه خود را حقیقت گو معرفی می کند یا می فرماید: لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولَى الْأَبَابِ ما کان حدیثاً یفتی: در سر گذشت آنان عبرتی برای صاحبان اندیشه بود این ها داستان دروغین نبودند. (یوسف/۱۱۱).

قصه گویی، عبارت است از: هنر یا حرفه نقل داستان به صورت شعر یا نثر که شخص قصه گو آن را در برابر شنونده زنده اجرا می کند. داستان هایی که نقل می شود، می تواند به صورت گفت و گو، ترانه، آواز با موسیقی یا بدون آن، با تصویر و سایر ابزارها همراه باشد. ممکن است از منابع شفاهی، چاپی یا ضبط مکانیکی استفاده شود و یکی از اهداف آن بایستی سرگرمی باشد. در روزگاران کهن، تاریخ سنت ها، مذهب، آداب قهرمانی ها و غرور قومی به وسیله قصه گوها از نسلی به نسل دیگر منتقل می شد (حجازی، ۱۳۸۴)

اهمیت و نقش قصه

داستان و قصه نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت کودک دارد و از طریق قصه ها و داستان های خوب کودک به بسیاری از ارزش ها اخلاقی پی می برد. کودک میل ذاتی به شنیدن قصه دارد و به همین دلیل است که قصه گویی راهی برای انتقال و آموزش آداب و رسوم سنن از نسلی به نسل دیگر می شود. قصه و قصه گویی مهمترین ابزار کتب آسمانی برای تبشیر و انذار بوده است. طبع و سرشت انسان ها به خواندن و شنیدن سرگذشت ها و قصه ها رغبت و میل فراوان دارد و قرآن کریم اولین کتابی است که به بیان سرگذشت پیشینیان پرداخته است و آن را در راه تربیت مردم به کار برده است. (سایت مجازی شهر قرآن، ۱۳۸۹) قصه و قصه گویی علاوه بر این که برای سرگرمی و بازی است بلکه ابزاری است برای آموزش و تربیت کودکان. نه تنها کودکان بلکه بزرگتر ها نیز با شنیدن قصه ها، صفا و صمیمیت کودکانه پیدا می کنند. افلاطون در کتاب جمهوریت این چنین به بیان اهمیت قصه می پردازد باید پرستاران و مادران را وادار کنیم که فقط حکایت هایی را که پذیرفته ایم برای کودکان نقل کنند و متوجه باشند که پرورشی که روح اطفال به وسیله ی حکایات حاصل می شود به مراتب بیشتر از تربیتی است که جسم آن ها به وسیله ی ورزش پیدا می کند. (رحمان دوست، ۱۳۷۷). هنگام گوش دادن کودک به قصه سکوت پیشه می کند ولی ارتباط عمیقی بین کودک و قصه برقرار می شود همگام با قصه جلو می رود و با قهرمان قصه زندگی می کند و همراه او به موفقیت می رسد. با استفاده از همین قصه است که کودک تجربه ی فقر، موفقیت، غم، نداشتن مادر و پدر را می چشد و برای خود تجربه کسب می کند در واقع قصه به کودک می آموزد که چطور به تنهایی شخصیتش رشد کند و به کمال برسد و در حقیقت قصه درست اندیشیدن را به کودک می آموزد. در حقیقت این ویژگی فطری انسان است که باعث روی آوردن او به قصه می شود. قصه گویی نقش بسزایی در پرورش تخیل کودک دارد و به او جسارت و جرئت آزادانه تیل را نیز می بخشد. این کار به مرور زمان به او ساختار و نظم می دهد و موجب می شود در برخورد با مسائل تفکر تحلیلی داشته باشد و در نتیجه می تواند به طور آگاهانه تر و علمی تر به معنایی برای خود و جهان پیدا کند. قصه کودک را در همه ی اوقات

زندگی پرورش می دهد و باعث مسرت خاطر و وسعت تخیل و قدرت تصور او می شود و قدرت درک و فهم مشکلات زندگی را به آن ها می آموزد .

داستان ها از طرفی باتوجه به ماهیت آن ، نزد مردم دوست داشتنی بوده روی آنان تاثیر می گذارد ؛ مردم با دل و جان و وجدان خویش به داستان توجه کرده ، حوادث و بخش های گوناگون آن را دنبال می کنند و از قهرمان و شخصیت های آن تاثیر می پذیرند . داستان ها به خاطر سهولت حفظ و نقل آن ، بیشتر از هر چیز دیگر در اذهان مردم می ماند . (السید شهاب الدین العذاری ، 1379) امام علی در وصیت خود به امام حسن پیرامون نقش داستان در تربیت می فرماید (پسرم قلب خویش را با موعظه زنده کن و اخبار گذشتگان را قلب خویش عرضه نما و مصایبی که به اقوام قبل از تو رسیده به او یاد آوری کن .) (نهج البلاغه ، 393)

نمونه ای از فضایل اخلاقی در قرآن

آیات فراوانی در قرآن کریم وجود دارد که به بیان فضایل اخلاقی می پردازد خداوند متعال به بیان قصه های قرآنی سعی در هدایت انسان ها دارد . خداوند با دستور به نگاه کردن عاقبت مکذبین ، مجرمین ، مفسدین طالمین و مندریت انسان را به مطالعه و عبرت گرفتن از تاریخ دعوت نمود . و از صبر انبیا پیشین و نابودی اقوامی چون قوم هود و صالح و لوط تا عوامل تفرقه ، نابودی ، عاقبت بخیری و عاقبت به شری همه و همه درس های تاریخی است که قرآن کریم ذکر می کند . چرا که تاریخ هایی که قرآن نقل کرده همه برای تذکر است ، نه عامل سرگرمی (حسن صنعت پور ، 1395) . قرآن کریم خود بیان می دارد که قصه هایی که بیان می دارد حقیقت است (إنّ هذا لهوَالْقَصصِ الْحَقِّ) آل عمران 62/ داستان های قرآنی همه حقیقت است چرا که بیان کننده ی داستان ، خداوند متعال است . خداوند هر چه که بیان می کند برای هدایت بشر است و صلاح بنده و مخلوق خود را بهتر می فهمد . به مین دلیل هدایتش را در بهترین کتابش برای انسان بیان می دارد . قصه های قرآنی چون بر منبع وحی متکی است . از ویژگی های بسیار انحصاری نیز برخوردار می باشد ؛ زیرا این قصه ها را کسی بیان می کند که بر همه جزئیات ظاهری و باطنی و آشکار و نهان ، آگاه و خبیر است و می تواند تحلیل کامل و دقیقی از وضعیت ارائه دهد . قصه های قرآنی ، قصه هایی است که فرصت تفکر و تدبر را فراهم می آورد و راه را از چاه نشان می دهد .

توکل

مومن حقیقی کسی است که فقط به خداوند توکل کند . در زندگی ائمه اطهار نیز این شیوه به عینه دیده شده است . پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نیز در زندگی خود نیز همواره به خدا توکل می کردند و لحظه ای از یاد خداوند غافل نمی شدند . حتی خداوند نیز به ایشان در مورد جنگ دستور می دهد با اصحاب مشورت کن و اگر تصمیم قطعی گرفتی بر خدا توکل کن . (آل عمران / 159) .

تقوا

خداوند همواره به داشتن تقوا تاکید می کند . خداوند همواره خود تاکید می کند که فقط از من بترسید . به وسیله ی همین تقوا بود که حضرت یوسف از دست زلیخا نجات پیدا کرد و به مقامات بالاتر راه پیدا کرد (جواد محدثی، ص: ۴۴). خداوند در قرآن می فرماید: بهترین توشه ی راه این است که از من بپرهیزید و خدا ترس باشید ای صاحبان عقل و ادراک. (سوره ی بقره ۱۹۷)

نهی صریح

بر خلاف آنچه در ادبیات و هنر امروز معمول است، یکی از شیوه های پیامدهی اخلاقی در قصه های قرآن «نهی صریح» است. این شیوه در جایی به کارگرفته می شود که آن ضد ارزش از امور عادی زندگی مردم شمرده شود و همچون سنتی اجتماعی میان آنان رایج گشته باشد نمونه این شیوه، نهی از کم فروشی در قصه شعیب است. نیز همین شیوه در مورد ضد ارزش هایی که در رفع نیاز عاطفی جامعه به کارگرفته می شوند، تجلی می کند . مثال مهم این نوع، تلاش برای بازداشتن مؤمنان و سد کردن راه بر ایش است:

وَالِي مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ . وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُمْ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ. (۱۴)

و بر مردم مدین برادر شان شُعَيْب را فرستادیم. گفت: ای قوم من، الله را بپرستید، شما را خدایی جز او نیست، از جانب پروردگارتان نشانه ای روشن آمده است. پیمانان و ترازو را تمام ادا کنید و به مردم کم فروشید و از آن پس که زمین به صلاح آمده است در آن فساد مکنید، که اگر ایمان آورده اید، این برایتان بهتر است . و بر سر راه ها منشینید تا مؤمنان به خدا را بترسانید و از راه خدا بازدارید و به کجروی وادارید. و به یادآرید آنگاه که اندک بودید، خدا بر شمار شما افزود. و بنگرید که عاقبت مفسدان چگونه بوده است. (حسینی ابوالقاسم، ۱۳۷۷)

صبر

از بهترین فضایل اخلاقی که هر مسلمانی باید داشته باشد وجود صبر در انسان است. وقتی صحبت از صبر می شود صبر حضرت زینب (س) به یاد می افتد. و آن چه که مهم است همین عبرت گرفتن از این واقعه ی کربلاست .

صبر در اصل طبق رهنمود های پیامبر اسلام (ص) صبر را بر سه قسم دانسته و می فرماید: الصبر ثلاثة: صبر عند مصیبه و صبر علی الطاعة و

صبر عن المعصیت

استاد علامه طباطبایی (قدس ره)، صبر را از بزرگترین ملکات و فضیلت ها دانسته و می فرماید: «صبر از بزرگترین ملکات و احوالی است که قرآن آن را ستوده و مکرر امر بدان نموده است تا جایی که قریب هفتاد مورد شده است. حتی لقمان در مورد فرزندش فرموده «ان ذلک من عزم الامور» (این حاکی از عزم و اراده ی تو در امور است) این صبر از کارهای بس مهم است» (طباطبایی، 1367)

بحث و نتیجه گیری

تربیت امر مهمی است که اگر در آن کوتاهی شود جامعه به تباهی کشیده می شود. تربیت باید تربیت درست باشد و والدین باید در این زمینه اطلاعات وافی و کافی داشته باشند و خود نیز در ابتدای امر خودسازی کرده باشند تا تاثیر بیشتری در امر تربیت داشته باشند. آن چه مهم است توجه به تربیت فرزندان این جامعه که برانزده ی نظام اسلامی و آماده سازان جامعه ی مهدوی باشند و آن چه راکه به کودک از همان ابتدا آموزش دهی همان مسیر را انتخاب خواهد کرد و در همان مسیر خواهد ماند و بعدا اصلاحش سخت خواهد بود. طبق فرمایشات امیرالمومنین علی (ع) ((قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش بذری است که در آن پاشیده شود)). (نامه ۳۱ نهج البلاغه، ص ۳۷۳).

قبل از آن که قلب کودک و نوجوان به چیز دیگری مشغول شود باید والدین از همان ابتدا قبل از این که تسلیم گمراهی های اجتماعی شود تربیت صحیح و آموزش صحیح را بر روی فرزند خود شروع کنند.

قرآن کریم به این موضوع اشاره کرده است که دین اسلام کامل ترین دین و دین پذیرفته شده در نزد خداوند متعال است پس باید از روش های تربیتی مجریان این دین کامل، آگاهی داشته و ان ها را به کار ببریم. طبق رهنمود های اهل بیت آن چه در اولویت امر مورد توجه قرار می گیرد آموزش خدای توانا و بزرگ و تفسیر آیات قرآنی است چرا که انسان را به راه راست هدایت می کند. سپس انجام واجبات است چرا که بزرگان ما نیز با عمل به این روش راه سعادت خود را رقم زده اند مهم تر از همه ی این ها توجه به واقع نگری در زندگی است واقعیتی که هیچ کدام از افراد به همه ی آرزو های خود نمی رسند پس آدمی نباید زیاد عجله کند و آن چه را به دست آورده است را نیز درست مصرف کند. در نامه ی ۳۱ حضرت علی (ع) به فرزندش توصیه های اخلاقی می کند. در این نامه می فرمایند ((هر تلاش گری به روزی دل خواه نخواهد رسید و هر مدارا کننده ای محروم نخواهد شد، نفس خود را از هر گونه پستی باز دار، هر چند تو را به اهداف برساند، زیرا نمی توانی به اندازه ی آبرویی که از دست می دهی بهایی به دست می آوری. برده ی دیگری نباش، که خدا تو را آزاد آفرید آن نیک که با شر به دست نیاید نیک نیست، و آن راحتی که با سختی های فراوان به دست آید، آسایش نخواهد داشت)) (همان؛ ص ۳۷۹) این ها همه نکات اخلاقی زندگی روزمره ی ماست که باید به آن ها توجه شود که اگر نشود با مشکل مواجه خواهیم شد ولی آن چه بیشتر مورد توجه است چگونگی آموزش این علوم به کودکان است. باید توجه داشته باشیم که ((جریان رشد کودک، جریان یک سویه منحصر از درون به بیرون نیست به حرکت بیرون به درون، یعنی رشد و یادگیری که منشا و مبدا بیرونی دارد، نیز باید هم رمان توجه شود.)) (دکتر محمود مهر محمدی، 1383). والدین و معلمان حتما باید به این امر توجه داشته باشند که روش هایی برای آموزش اخلاق در پیش گیرند که متناسب با فهم دانش آموزان. میزان رشد دانش

آموزان باشد تا کارایی لازم را در نگرش و عملکرد دانش آموزان داشته باشد. «برنامه ی درسی و آموزش های اخلاقی و ارزشی زمانی مثرثمر خواهد بود که دو مولفه ی شناخت و عاطفه توامان مورد توجه قرار گیرند». (همان، ص ۶۶). حتی از نظر برودی نیز که خود از فلاسفه ی نامدار معاصر در حوزه ی تعلیم و تربیت است اشاره می کند که ((آموزش فضایل انسانی و اخلاقی با این کیفیت فقط با کاربرد هنر دست یافتنی است.)) (همان، ص ۶۶).

قصه گویی شاخه ای از کار هنری است که تاثیر بسزایی در آموزش مطالب به دانش آموزان دارد. در قرآن کریم بسیاری از فضایل اخلاقی آمده است که به شیوه ی قصه است. به طوری است که آموزش را برای والدین راحت تر می کند. ولی متأسفانه در نظام آموزشی ما به این جنبه از هنر کمتر توجه می شود. این در حالی است که طی حدود دو دهه ی گذشته، نظام آموزش و پرورش در جهان فعالیت های گسترده ای را برای این نقیصه ی اساسی آغاز کرده اند. پس نظام آموزشی ما از روش های نوین که همین قصه گویی هم یکی از این روش هاست بهرمنند شود

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۴)، دوره ی تربیتی تشکیلاتی - تربیتی خط امام، اصول و روش های تربیت اسلامی، تهران: سازمان بسیج دانشجویی، معاونت تعلیم و تربیت

حجازی، بنفشه؛ ادبیات کودکان و نوجوانان؛ چاپ هشتم، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۴.

خامنه ای، سید علی، (۱۳۹۵)، منشور معلمی در کلام مقام معظم رهبری، تهران: انتشارات دانشگاه فرهنگیان

صنعت پور امیری، حسین، (۱۳۹۵)، نیم قرن تدریس و تبلیغ حجت الاسلام و المسلمین قرائتی، تهران: مرکز قرهنگی درس هایی از قرآن

رحمان دوست مصطفی، (۱۳۷۷)، اهمیت راه و رسم قصه گویی؛ تهران، انتشارات سخن

شریعتمداری، علی، (۱۳۶۴) اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: امیر کبیر

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۷)، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر همدانی، تهران: انتشارات امیر کبیر.

عبد ربه، عبدالحافظ. بحوث فی قصص القرآن، لبنان: دارالکتاب اللبنانی، الطبعة الأولى، ۱۹۷۲ م.



کاظمی، شهاب، آفرینش هنری در داستان ابراهیم (ع)، قم: انتشارات أحسن الحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.

محدثی، جواد، زندگی مهدوی (اخلاق و اوصاف منتظران)، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، چاپ اول، ۱۳۹۲

محبوبی، محمدتقی، تحلیلی نو از قصص قرآن، تهران: امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.

مهرمحمدی، محمود، (۱۳۸۳)، آموزش عمومی هنر؛ چیستی، چرایی؛ چگونگی، تهران: موسسه ی فرهنگی مدرسه ی برهان (انتشارات مدرسه).